Utrecht University Library
Partner in Science
Universiteit Utrecht

Prima Elementa Linguae Persicae, nitidissime conscripta Adriani Relandi 1705.

https://hdl.handle.net/1874/436780

A. FRANCK.
LIBRAIRIE FRANÇAISE ET ÉTRANGÈRE,
Ancienne et Moderne,
Rue de Richelieu, 67,
En face de la Bibliothèque Nationale,
A PARIS.

47458

بشور
بشورد
بشورید
بشورند
بشورم
بشوریم

باب شستن

شست
شسته است
خواهد شست
شسته بود
می شورد

شستم
شستی
شستند
شستید

شستن
می شست
می شستند
می شستید
می شستی
می شستندی
می شستم

بیفراز
بیفرازد
بیفرازند
بیفرازید
بیفرازیم
بیفرازیم

باب افراشتن

افراشت
افراشته است
خواهد افراشت
افراشته بود
می افراشد

افراشتم
افراشتی
افراشتید
افراشتند

افراشتن

می افراشت
می افراشتند
می افراشتید
می افراشتی
می افراشتیدی
می افراشتم

بکنج
بکنجد
بکنجند
بکنجید
بکنجم
بکنجیم

باب کنجانیدن

کنجید
کنجیده است
خواهد کنجید
کنجیده بود
می کنجد
کنجیدم
کنجیدی
کنجیدند
کنجیدید
کنجیدن
میکنجید
میکنجیدند
می کنجیدید
میکنجیدی
میکنجیدندی
می کنجیدم

بگذار
بگذارید
بگذارند
بگذارد
بگذارم
بگذاریم

باب گذاشتن

گذاشت
گذاشته است
خواهد گذاشت
گذاشته بود
میگذارد

گذاشتم
گذاشتی
گذاشتند
گذاشتید

گذاشتن
میگذاشت
میگذاشتید
میگذاشتند
میگذاشتی
میگذاشتیم
میگذاشتم

بیافرین
بیافرینذ
بیافرینند
بیافرینید
بیافرینیم

باب آفریدن

آفرید
آفریده است
خواهد آفرید
آفریده بود
می‌آفریند

آفریدم
آفریدی
آفریدید
آفریدند

آفریدن

می‌آفریند
می‌آفریند
می‌آفرینید
می‌آفرینی
می‌آفرینیدی
می‌آفرینم

بسرش
بسرشد
بسرشند
بسرشید
بسرشم
بسرشیم

باب سرشتن

سرشت

سرشته است

خواهد سرشت

سرشته بود

سرشتم

سرشتی

سرشتند

سرشتید

سرشتن

میسرشت

میسرشتند

میسرشتید

میسرشتی

میسرشتندی

میسرشتم

میسرشتد

بکردان
بکرداند
بکردانند
بکردانید
بکردانیدم
بکردانیدیم

باب کردانیدن

کردانید
کردانیده است
خواهد کردانید
کردانیده بود
میکردانید

کردانیدم
کردانیدی
کردانیدند
کردانیدید

کردانیدن
میکردانید
میکردانیدند
میکردانیدید
میکردانیدی
میکردانیدنی
میکردانیدم

بکرد
بکردد
بکردید
بکردند
بکردم
بکردیم

باب کردیدن

کردید

کردیده است

خواهد کردید

کردیده بود

میکردد

کردیدم

کردیدی

کردیدند

کردیدید

کردیدن

میکردید

میکردیدند

میکردیدید

میکردیدی

میکردیدندی

میکردیدم

برای
براید
برایند
برایید
برایم
برائیم

باب سرائیدن

سرائید
سرائیده است
خواهد سرائید
سرائیده بود
می سراید

سرائیدم
سرائیدی
سرائیدند
سرائیدید

سرائیدن

میسرائید
میسرائیدند
میسرائیدید
میسرائیدی
میسرائیدندی
میسرائیدم

بر م
بر مد
بر مند
بر مید
بر مم
بر میم

باب رمیدن

رمید

رمیده است

خواهد رمید

رمیده بود

میرمد

رمیدم

رمیدی

رمیدند

رمیدید

رمیدن

میرمید

میرمیدند

میرمیدید

میرمیدی

میرمیدنی

میرمیدم

بد
بد مدام
بد مسند
بد مید
بد مم
بد میم

باب دمیدن

دمید

دمیده است

خواهد دمید

دمیده بود

میدمد

دمیدم

دمیدیم

دمیدند

دمیدید

دمیدن

میدمید

میدمیدند

میدمیدید

میدمیدی

میدمیدیم

میدمیدم

بران
براند
برانند
برانید
برانم
برانیم

باب راندن

راند

رانده است

خواهد راند

رانده بود

می راند

راندم

راندیم

راندند

راندید

راندن

میراند

میرانند

میراند

میراندی

میراندندی

میراندم

بکمار
بکمارد
بکمارند
بکمارید
بکمارم
بکاریم

باب کاشتن

کاشت

کاشته است

خواهد کاشت

کاشته بود

میکارد

کاشتم

کاشتی

کاشت

کاشتید

کاشتن

میکاشت

میکاشتند

میکاشتند

میکاشتی

میکاشتید

میکاشتم

بینجام
بینجامد
بینجامند
بینجامید
بینجامیدم
بینجامیدیم

باب انجامیدن

انجامید
انجامیده است
خواهد انجامید
انجامیده بود
می انجامد
انجامیدم
انجامیدی
انجامیدند
انجامیدید
انجامیدن
می انجامید
می انجامیدند
می انجامیدید
می انجامیدی
می انجامیدند
می انجامیدم

بدرفاند
بدرفانند
بدرفانید
بدرفانم
بدرفانیم

باب دفانیدن

دفانید

دفانیده است

خواهد دفانید

دفانیده بود

می دفاند

دفانیدم

دفانیدیم

دفانیدند

دفانیدید

دفانیدن

می دَفاند

می دفانند

می دفانید

می دفانیدی

می دفانیدندی

می دفانیدم

بدفن
بدفنند
بد فنید
بد فنم
بد فنیم
بدفند

باب دفیدن

دفنید

دفنیده است

خواهد دفنید

دفنیده بود

میدفند

دفنیدم

دفنیدیم

دفنیدند

دفنیدید

دفنیدن

می دفنید

می دفنیدند

می دفنیدید

می دفنیدی

می دفنیدندی

می دفنیدم

بطپ
بطپد
بطپند
بطپید
بطپم
بطپیم

باب طپیدن

طپید

طپیده است

خواهد طپید

طپیده بود

می طپید

طپیدم

طپیدی

طپیدند

طپیدید

طپیدن

میطپید

میطپیدند

میطپیدید

میطپیدی

میطپیدندی

میطپیدم

ببند

ببند د

ببند ند

ببند ید

ببند م

ببند یم

باب بستن

بست
بسته است
خواهد بست
بسته بود
می بندد

بستم
بستی
بست
بستیم
بستید
بستند

بستن
می بست
می بستی
می بستم
می بستید
می بستند
می بندی
می بندم

بشو
بشود
بشوند
بشوید
بشوم
بشویم

باب شدن

شد
شده است
خواهد شد
شده بود
مي شود
شدم
شدي
شدند
شديد
شدن
مي شد
مي شديد
مي شدند
مي شدي
مي شدندي
ميشدم

بیاویز

بیاویزد

بیاویزند

بیاویزید

بیاویزم

بیاویزیم

باب آویختن

آویخت

آویخته است

خواهد آویخت

آویخته بود

می آویزد

آویختم

آویختی

آویخت

آویختید

آویختند

آویختن

می آویخت

می آویخت

می آویختید

می آویختی

می آویختی

می آویختم

بشکف
بشکفد
بشکفند
بشکفید
بشکفیدم
بشکفیدیم

باب شکفتن

شکفت

شکفته است

خواهد شکفت

شکفته بود

می شکفند

شکفتم

شکفتی

شکفتید

شکفتند

شکفتن

میشکفت

میشکفتند

میشکفتید

میشکفتی

میشکفتیم

بترق
بترقد
بترقند
بترقید
بترقم
بترقیم

باب ترقیدن

ترقید
ترقیده است
خواهد ترقید
ترقیده بود
می ترقد

ترقیدم
ترقیدی
ترقیدند
ترقیدید

ترقیدن
میترقید
میترقیدند
میترقیدید
میترقیدی
میترقیدندی
میترقیدم

بخنان
بخنانید
بخنانند
بخنانم

باب خانیدن

خانند
خانیده است
خواهد خانید
خانیده بود
میخانند

خانیدم
خانیدی
خانیدند
خانیدید

خانیدن
میخانید
میخانیدند
میخانیدی
میخانیدید
میخانیدند
میخانیدم

برافزود

برافزوزد

برافزوزند

برافزوزید

برافزوزم

برافزوزیم

باب افروختن

افروخت
افروخته است
خواهد افروخت
افروخته بود
می افروزد

افروختم
افروختی
افروخت
افروختید

افروختن
می افروخت
می افروخت
می افروختید
می افروختی
می افروختی
می افروختم

ببوف
ببوفند
ببوفند
ببوفید
ببوفم
ببوفیم

باب سفتن

سفت

سفته است

خواهد سفت

سفته بود

می سوفد

سفتم

سفتی

سفتند

سفتید

سفتن

میسفت

میسفتند

میسفتید

میسفتی

میسفتدی

میسفتم

باب جستن

جست
جسته است
خواهد جست
جسته بود
می جستند
جستیم
جستی
جستند
جستید
جستن
میجست
میجستند
میجستید
میجستی
میجستندی
میجستنم

بپزان
بپزاند
بپزانید
بپزانند
بپزانم
بپزانیم

باب پزانیدن

پزانید

پزانیده

خواهد پزانید

پزانیده بود

می پزانند

میپزانم

میپزانیم

پزانیدند

پزانیدید

پزانیدن

میپزانید

میپزانیدند

میپزانیدید

میپزانیدم

میپزانیدندی

میپزانیدی

بپرز
بپرزد
بپرزند
بپرزید
بپرزم
بپرزیم

باب پزیدن

پزید
پزیده است
خواهد پزید
پزیده بود
می پزد

پزیدم
پزیدی
پزیدند
پزیدید

پزیدن

میپزید
میپزیدند
میپزیدید
میپزیدی
میپزیدندی
میپزیدم

بپز
بپزد
بپزند
بپزید
بپزم
بپزیم

باب پختن

پخت
پخته است
خواهد پخت
پخته بود
میپزد

پختم
پختی
پخت
پختید

پختن
میپخت
میپختند
میپختید
میپختی
میپختند ای
میپختم

برآ

برآید

برایند

برایید

برایم

برائیم

باب برآمدن

برآمد

برآمده است

خواهد برآمد

برآمده بود

می برآید

برآمدم

برآمدی

برآمدند

برآمدید

برآمدن

برمی آمد

برمی آمدند

برمی آمدید

برمی آمدی

برمی آمدندی

برمی آمدیم

ببار
ببارد
ببارند
ببارید
ببارم
بباریم

باب باریدن

بارید
باریده است
خواهد بارید
باریده بود
میبارد

باریدم
باریدی
باریدند
باریدید

باریدن
میبارید
میباریدند
میباریدید
میباریدی
میباریدیدی
میباریدم

بدر

بدرزد

بدرزند

بدرزيد

بدرزم

باب دزدیدن

دزدید
دزدیده است
خواهد دزدید
دزدیده بود
میدزد

دزدیدم
دزدیدی
دزدیدند
دزدیدید

دزدیدن
میدزدید
میدزدیدند
میدزدیدید
میدزدیدی
میدزدیدنی
میدزدیدم

بپاشش
بپاشد
بپاشند
بپاشید
بپاشم

باب پاشیدن

پاشید
پاشیده است
خواهد پاشید
پاشیده بود
میپاشد

پاشیدم
پاشیدی
پاشیدند
پاشیدید

پاشیدن

میپاشید
میپاشیدند
میپاشیدید
میپاشیدی
میپاشیدندی
میپاشیدم

بریز
بریزد
بریزند
بریزید
بریزم
بریزیم

باب ریختن

ریخت

ریخته است

خواهد ریخت

ریخته بود

می ریزد

ریختم

ریختی

ریختند

ریختید

ریختن

میریخت

میریختند

میریختید

میریختی

میریختیدی

میریختم

بپوسان
بپوساند
بپوسانند
بپوسانید
بپوسانم

باب پوسانیدن

پوساند
پوسانیده
خواهد پوساند
پوسانیده بود
می پوساند

پوسانیدم
پوسانیدی
پوسانیدند
پوسانید

پوسانیدن
میپوساند
میپوساندند
میپوسانید
میپوساندی
میپوساندندی
میپوسانم

بپوس
بپوسد
بپوسند
بپوسید
بپوسم

باب پوسیدن

پوسید
پوسیده است
خواهد پوسید
پوسیده بود
می پوساند

پوسیدم
پوسیدی
پوسیدند
پوسانیدند
پوسانید

پوسانیدن
میپوساند
میپوسانیدند
میپوسانید
میپوسانیدی
میپوسانیدید
میپوسانیدم

بجین
بجیند
بجینند
بجینید
بجینم
بجینیم

باب چیدن

چید
چیده است
خواهد چید
چیده بود
می چیند

چیدم
چیدی
چیدند
چیدید

چیدن

میچید
میچیدند
میچیدید
میچیدی
میچیدندی
میچیدم

جهانیدند
جهانیدید
جهانند
بجهاند
بجهانند
بجهانید
بجهانم
بجهانیم
بجهان

باب جهانیدن

جهانید
جهانیده
خواهد جهانید
جهانیده بود
میجهاند
میجهانم
میجهانی
میجهانیدند
میجهانید
میجهانیدن
میجهانید
میجهانیدی
میجهانیدندی
میجهانیدم
جهانیدم
جهانیدی

بجه
بجهد
بجهید
بجهند
بجهم
بجهیم

باب جهیدن

جهید

جهیده است

خواهد جهید

جهیده بود

میجهید

جهیدم

جهیدیم

جهیدند

جهیدید

جهیدن

میجهید

میجهیدند

می جهیدید

می جهیدیم

میجهیدنی

می جهیدم

بپالا
بپالایر
بپالایند
بپالایید
بپالایم
بپالاییم

باب پالیدن

پالید
پالیده است
خواهد پالید
پالیده بود
میپالد

پالیدم
پالیدی
پالیدند
پالیدید

پالیدن

میپالید
میپالیدند
میپالیدید
میپالیدی
می پالیدندی
میپالیدم

بردار
بردارد
بردارند
بردارید
بردارم
برداریم

باب برداشتن

برداشت

برداشته است

خواهد برداشت

برداشته بود

برمیدارد

برداشتم

برداشتی

برداشت

برداشتید

برداشتن

می ورداشت

می ورداشتی

می ورداشتید

می ورداشتیدی

میبرداشتم

می وردارد

بشمر
بشمرد
بشمرند
بشمرید
بشمرم
بشمریم

باب شمردن

شمرد

شمرده است

خواهد شمرد

شمرده بود

می شمارد

شمردم

شمردیم

شمردید

شمردند

شمردن

می شمرد

می شمردند

می شمردید

میشمردی

میشمردندی

میشمردم

باب کشادن

کشاد

کشاده است

خواهد کشاد

کشاده بود

میکشاید

کشادم

کشادی

کشادند

کشادید

کشادن

میکشاد

میکشادند

میکشادید

میکشادی

میکشادندی

میکشادم

بگشا
بگشاید
بگشایند
بگشایید
بگشایم
بگشاییم

باب کشودن

کشود

کشوده است

خواهد کشود

کشوده بود

می کشاید

کشادم

کشودی

کشودند

کشودید

کشودن

میکشود

میکشودند

میکشودید

میکشودی

میکشودندی

میکشودم

بسوزان
بسوزانید
بسوزانند
بسوزانم
بسوزانیم

باب سوزانیدن

سوزانید
سوزانیده است
خواهد سوزانید
سوزانیده بود
می سوزاند

سوزانیدم
سوزاندی
سوزاندید
سوزاندند

سوزاندن

میسوزانید
میسوزانیدند
میسوزانیدید
میسوزانیدی
میسوزانیدندی
میسوزانیدم

بسوز
بسوزان
بسوزاند
بسوزانند
بسوزانید
بسوزانم
بسوزانیم

باب سوختن

سوخت

سوخته است

خواهد سوخت

سوخته بود

می سوزد

سوختم

سوختی

سوختند

سوختید

سوختن

میسوخت

میسوختند

میسوختید

میسوختی

میسوختندی

میسوختم

بلرز
بلرزد
بلرزند
بلرزید
بلرزم
بلرزیم

باب لرزیدن

لرزید
لرزیده است
خواهد لرزید
لرزیده بود
میلرزد

لرزیدم
لرزیدی
لرزیدند
لرزیدید

لرزیدن
میلرزید
میلرزیدند
میلرزیدید
میلرزیدی
میلرزیدندی
میلرزیدم

بگزین
بگزیند
بگزینند
بگزینید
بگزینیم
بگزبینیم

باب کزیدن

کزید
کزیده است
خواهد کزید
کزیده بود
میکزیند

کزیدم
کزیدی
کزیدند
کزید

کزیدن
میکزید
میکزیدند
میکزیدید
میکزیدی
میکزیدندی
میکزیدم

بیاموز
بیاموزد
بیاموزند
بیاموزید
بیاموزم
بیاموزیم

باب آموختن

آموخت
آموخته است
خواهد آموخت
آموخته بود
می آموزد

آموختم
آموختی
آموختند
آموختید

آموختن

می آموخت
می آموختند
می آموختید
می آموختی
می آموختیدی
می آموختم

بنوشان
بنوشاند
بنوشانند
بنوشانید
بنوشانم
بنوشانیم

باب نوشانیدن

نوشانید
نوشانیده است
خواهد نوشانید
نوشانیده بود
می نوشانند

نوشانیدم
نوشانیدی
نوشانیدند
نوشانیدید

نوشانیدن

مینوشانند
مینوشانند
مینوشانید
مینوشانیدی
مینوشانیدندی
مینوشانیم

بنوشش
بنوشد
بنوشند
بنوشید
بنوشم
بنوشیم

باب نوشتن

نوشید

نوشیده است

خواهد نوشید

نوشیده بود

می نوشد

نوشیدم

نوشیدی

نوشیدند

نوشیدید

نوشیدن

مینوشد

مینوشند

مینوشید

مینوشیدی

مینوشیدیم

مینوشیدم

بپوشان
بپوشاند
بپوشانند
بپوشانید
بپوشانم
بپوشانیم

باب پوشانیدن

پوشاند
پوشانیده است
پوشانیده بود
میپوشاند

پوشانیدم
پوشانیدی
پوشانیدند
پوشانیدید

پوشانیدن

میپوشانید
می پوشانیدند
می پوشانیدید
میپوشانیدی
میپوشانیدیدی
میپوشانیدم
خواهد پوشانید

بپوش
بپوشد
بپوشند
بپوشید
بپوشم
بپوشیم

باب پوشیدن

پوشید
پوشیده است
پوشیده
خواهد پوشید
پوشیده بود
میپوشد

پوشیدم
پوشیدی
پوشیدند
پوشید

پوشیدن

می پوشید
میپوشیدند
میپوشید
میپوشیدی
میپوشیدندی
میپوشیدم

برسان
برساند
برسانند
برسانید
برسانم
برسانیم

باب رسانیدن

رسانید

رسانیده است

خواهد رسانید

رسانیده بود

می رساند

رسانیدم

رسانیدی

رسانیدند

رسانیدید

رسانیدن

میرسانید

میرسانیدند

میرسانیدید

میرسانیدی

میرسانیدندی

میرسانیدم

برس
برسد
برسند
برسید
برسم
برسیم

باب رسیدن

رسید

رسیده است

خواهد رسید

رسیده بود

می رسد

رسیدم

رسیدی

رسیدند

رسیدید

رسیدن

میرسید

میرسیدند

میرسیدید

میرسیدی

می رسیدند

می رسیدم

ببر
ببرد
ببرند
ببرید
ببرم
ببریم

باب بریدن

برید
بریده است
خواهد برید
بریده بود
میبرد

بریدم
بریدیم
بریدی
بریدند
بریدید

بریدن
میبرید
میبریدند
میبریدید
میبریدی
میبریدندی
میبریدم

بشمان
بشماند
بشمانند
بشمانید
بشمانم
بشمانیم

باب شمانیدن

شمانید
شمانیده است
خواهد شمانید
شمانیده بود
می شماند

شمانیدم
شمانیدیم
شمانیدند
شمانیدید

شمانیدن
می شمانید
می شمانیدند
می شمانیدید
می شمانیدی
می شمانیدندی
می شمانیدم

بشمد
بشمند
بشمید
بشمم
بشمیم

باب شمیدن

شمید

شمیده است

خواهد شمید

شمیده بود

می شمد

شمیدم

شمیدی

شمیدند

شمیدید

شمیدن

می شمید

می شمیدند

می شمیدید

می شمیدی

می شمیدندی

می شمیدم

بدر
بدرد
بدرند
بدرید
بدرم
بدریم

باب دیدن

درید

دریده است

خواهد درید

دریده بود

می درد

دریدم

دریدیم

دریدند

دریدید

دریدن

میدرید

میدریدند

میدریدید

میدریدیم

میدریدی

میدریدم

بزی
بزیست
بزیستند
بزیستید
بزیستم
بزیستیم

باب زیستن

زیست
زیسته است
خواهد زیست
زیسته بود
میزید
زیستم
زیستی
زیست
زیستید
زیستند
زیستن
میزیست
میزیست
میزیستید
میزیستی
میزیستی
میزیستیم

بمیر
بمیرد
بمیرند
بمیرید
بمیرم
بمیریم

باب مردن

مرد

مرده است

خواهد مرد

مرده بود

می میرد

می میرم

مردیم

مردند

مردید

مردن

میمیرد

می مردند

می مردید

میمردیم

می مردندی

می مردم

بکشان

بکشد

بکشند

بکشید

بکشم

بکشیم

باب کشایدن

کشاید

کشائیده است

خواهد کشائید

کشائیده بود

می کشاند

کشائیدم

کشائیدی

کشائیدند

کشائیدید

کشائیدن

می کشایند

میکشائیدند

می کشائیدید

می کشائیدی

می کشائیدندی

می کشائیدم

بکش
بکشد
بکشید
بکشند
بکشم
بکشیم

باب کشتن

کشت
کشته است
خواهد کشت
کشته بود
می کشد
کشتیم
کشتی
کشتند
کشتید
کشتن
میکشت
میکشتند
می کشتی
می کشتندی
می کشتید
می کشتم

بزن
بزند
بزنند
بزنید
بزنم
بزنیم

باب زدن

زد
زده است
خواهد زد
زده بود
میزند

زدم
زدی
زدند
زدید

زدن
می زد
می زدند
می زدی
می زدندی
می زدید
می زدم

بیندازد
بیندازند
بیندازید
بیندازم
بیندازیم

باب انداختن

انداخت
انداخته است
خواهد انداخت
انداخته بود
می انداخت

انداختم
انداختی
انداختند
انداختید

انداختن

می انداخت
می انداختند
می انداختید
می انداختی
می انداختیم
می انداختم

بیفت
بیفتد
بیفتند
بیفتید
بیفتم
بیفتیم

باب افتادن

افتاد

افتاده است

خواهد افتاد

افتاده بود

می افتد

افتادم

افتادیم

افتادند

افتادید

افتادن

می افتاد

می افتادند

می افتادی

می افتادندیم

می افتادید

می افتادم

بباز
ببازد
ببازند
ببازید
ببازیم
ببازم

باب باختن

باخت
باخته است
خواهد باخت
باخته بود
می باخت

باختم
باختی
باختند
باختید

باختن
می باخت
می باختند
میباختندی
می باختید
می باختم
می باختی

ببر
ببرد
ببرند
ببرید
ببریم
ببرم

باب بردن

برد
برده است
خواهد برد
برده بود
می برد

بردم
بردی
بردند
بردید

بردن

می برد
می بردند
می بردی
میبردندی
می بردید
می بردم

بیاورد
بیاورند
بیاورید
بیاوریم
بیاورم

باب آوردن

آورد

آورده است

خواهد اورد

آورده بود

می ارد

آوردم

آوردی

آورد

آوردند

آوردید

آوردن

می آورد

می آوردند

می آوردی

می آوردید

می آوردم

بیاور

بتاز
بتازید
بتازند
بتازم
بتازیم

باب تاختن

تاخت
تاخته است
خواهد تاخت
تاخته بود
می تازد

تاختم
تازیدم
تاختی
تاختند
تاختید

تاختن
می تاخت
می تاختند
می تاختی
میتاختید
میتاختم

بدوان
بدواند
بدوانید
بدوانند
بدوانم

باب دوانیدن

دوانید

دوانیده است

خواهد دوانید

دوانیده بود

میدواند

دوانیدم

دوانیدی

دوانیدند

دوانیدید

دوانیدن

می دوانید

می دوانیدند

میدوانیدی

میدوانیدندی

می دوانیدید

میدوانیدم

بغلط
بغلطید
بغلطند
بغلطم
بغلطیم

باب غلطیدن

غلطید
غلطیده است
خواهد غلطید
غلطیده بود
می غلطد

غلطیدم
غلطیدی
غلطیدند
غلطید

غلطیدن
می غلطید
می غلطیدند
می غلطیدی
میغلطیدندی
می غلطیدید
می غلطیدم

ندهانیده ام
ندهانیدی
ندهانیدهٔ
ندهانیدید
ندهانیدند
ندهانیده اید
ندهانیدن

بدهانند
بدهانم
بدهان
بدهانید
بدهانیم

خواهند دانست

دانسته بودند

میدانند

دانست

دانستید

دانسته اید

خواهید دانست

دانسته بودید

میدانید

دانستن

میدانست

میدانند

میدانی

میدانستی

میدانستید

میدانم

نه دانست

ندانستم

باب دمانیدن

دمانید
دمانیده است
خواهد دمانید
دمانیده بود
میدمانند

دمانیدم
دمانیده ام
خواهم دمانید
دمانیده بودم
میدمانم

دمانیدی
دمانیده
خواهی دمانید
دمانیده بودی
میدمانی

دمانیدند

می گرائیدم
بگرائی
بگراید
بگرائید
بگرایند
بگرایم
بگراییم

باب کرائیدن

کرائید

کرائیده است

خواهد کرایید

کرائیده بود

میکرایید

کرائیدم

کرائیدی

کرائیدند

کرائیدید

کرائیدن

میکرائید

می کرائیدند

می کرائیده اید

می کرائیدی

می کرائیدندی

میکرائیدید

بغل
بغلد
بغليد
بغلند
بغلم
بغليم

باب غلیدن

غلید
غلیده است
خواهد غلید
غلیده بود
می غلد

غلیدم
غلیدی
غلیدند
غلیدید

غلیدن
میغلید
می غلیدند
میغلیدی
می غلیدندی
می غلیدید
میغلیدم

بیامیز
بیامیزد
بیامیزید
بیامیزند
بیامیزم
بیامیزیم

باب آمیختن

آمیخت
آمیخته است
خواهد آمیخت
آمیخته بود
می آمیزد

آمیختم
آمیختی
آمیخت
آمیختند
آمیختید

آمیختن
می آمیخت
می آمیختند
می آمیختی
می آمیختندی
می آمیختید
می آمیختم

بخند د
بخندید
بخند ند
بخندیم
بخندم

باب خندیدن

خندید
خندیده است
خواهد خندید
خندیده بود
میخندد
خندیدم
خندیدی
خندیدند
خندیدید
خندیدن
می خندید
می خندیدند
می خندیدی
می خندیدید
میخندیدم
بخند

می گریستم
میگریستیم
گریه بکن
بگریید
بگریند
بگریم
بگرییم

باب گریستن

گریست
گریسته است
خواهد گریست
گریسته بود
میگرید

گریستم
گریستیم
گریستی
گریستند
گریستید

گریستن
میگریست
میگریستند
می گریستی
می گریستندی
می گریستید

می آفزودم
می افزودیم
بیفزایی
بیفزاید
بیفزایند
بیفزایم
بیفزائیم

باب افزودن

افزود

افزوده است

خواهد افزود

افزوده بود

می افزاید

افزودم

افزودیم

افزودی

افزودند

افزودید

افزودن

می افزود

می افزودند

می افزودی

می افزودند

می افزودید

می نواختم
مینواختیم
بنواز
بنوازید.
بنوازند
بنوازیم
بنوازم

باب نواختن

نواخت
نواخته ایست
خواهد نواخت
نواخته بود
می نوازد
نواختیم
نواختیم
نواختی
نواختند
نواختید
نواختن
می نواخت
می نواختند
می نواختی
می نواختیدی
می نواختید

می سپردم
می سپردیم
بسپار
بسپارند
بسپارید
بسپارم
بسپاریم

باب سپردن

سپرد

سپرده است

خواهد سپرد

سپرده بود

می سپارد

سپردم

سپردیم

سپردی

سپردند

سپردید

سپردن

می سپرد

می سپردند

می سپردی

می سپردندی

می سپردید

می ستیدم

بستان

بستانید

بستانند

بستانم

باب ستیدن

ستید

ستیده است

خواهد ستید

ستیده بود

می ستید

ستیدم

ستیدیم

ستیدی

ستیدند

ستیدید

ستیدن

می ستید

می ستیدند

می ستیدی

می ستیدیم

می ستیدید

مي فشردم
ميفشرديم
بفشار
بفشاريد
بفشارند
بفشارم
بفشاريم

باب فشردن

فشرد

فشرده است

خواهد فشرد

فشرده بود

می فشارد

فشردم

فشردیم

فشردی

فشردند

فشرديد

فشردن

می فشرد

می فشردند

میفشردی

میفشردندی

می فشرديد

مي خواندم
مي خوانديم

بخوان
بخوانند
بخوانيد
بخوانم
بخوانيم

باب خواندن

خواند
خوانده است
خواهد خواند
خوانده بود
می خواند

خواندم
خواندیم
خواندی
خواندند
خواندید

خواندن
می خواند
می خوانند
می خواندی
میخواندندی
می خواندید

می پنداشتم
می پنداشتیم
بپندار
بپندارید
بپندارند
بپندارم
بپنداریم

باب پنداشتن

پنداشت
پنداشته است
خواهد پنداشت
پنداشته بود
می پندارد

پنداشتم
پنداشتیم
پنداشتی
پنداشتند
پنداشتید

پنداشتن
می پنداشت
می پنداشتند
می پنداشتی
می پنداشتیدی
می پنداشتید

می بخشدیم
ببخش
ببخشید
ببخشند
ببخشیم
ببخشیم

باب بخشیدن

بخشید

بخشیده است

خواهد بخشید

بخشیده بود

می بخشد

بخشیدم

بخشیدیم

بخشیدی

بخشیدید

بخشیدند

بخشیدن

می بخشیدند

می بخشیدی

می بخشیدندی

می بخشیدید

می بخشیدم

می بخشید

میخشمیدم

میخشمیدیم

خشمیده شو

بخشمید

بخشمند

بخشمم

بخشمیم

باب خشمیدن

خشمید
خشمیده است
خواهد خشمید
خشمیده بود
می خشمد

خشمیدم
خشمیدیم
خشمیدی
خشمیدند
خشمید

خشمیدن
می خشمید
میخشمیدند
می خشمیدی
می خشمیدندی
می خشمیدید

مي انديشيدم
مي انديشيديم
بينديش
بينديشيد
بينديشند
بينديشم

باب اندیشیدن

اندیشید
اندیشیده است
خواهد اندیشید
اندیشیده بود
می اندیشد

اندیشیدم
اندیشیدیم
اندیشیدی
اندیشیدید
اندیشیدند

اندیشیدن
می اندیشید
می اندیشیدند
می اندیشیدی
می اندیشیدندی
می اندیشیدید

می ارا ستم
می ارا ستیم

بیارای
بیارائید
بیارایند
بیارایم
بیارائیم

باب اراستن

اراست
اراستهٔ است
خواهد اراست
اراسته بود
می اراید

اراستم
اراستیم
اراستی
اراستند
اراستید

اراستن
می آراست
می اراستند
می اراستی
می اراستندی
می اراستید

می جستیم

بجو

بجوئید

بجویند

بجویم

بجوئیم

باب جستن

جست
جسته است
خواهد جست
جسته بود
می جوید
جستم
جستی
جستند
جستید
جستن
میجست
می جستند
میجستید
می جستی
میجستندی
می جستم

میساختم
می ساختیم
بساز
بسازید
بسازند
بسازیم

باب ساختن

ساخت
است ساخته
خواهد ساخت
ساخته بود
می سازد
ساختم
ساختی
ساختند
ساختید
ساختن
میساختند
میساخت
میساختید
می ساختی
می ساختندی
میساختید

میفهمانیدم
میفهمانیدیم
بفهمان
بفهمانند
بفهمانید
بفهمانم
بفهمانیم

باب فهمانیدن

فهمانید
فهمانیده است
خواهد فهمانید
فهمانیده بود
می فهماند

فهمانیدم
فهمانیدی
فهمانیدند
فهمانیدید

فهمانیدن

می فهمانید
میفهمانیدند
میفهمانیدی
میفهمانیدندی
میفهمانیدید
میفهمانیدم

بفهم
بفهمد
بفهمید
بفهمند
بفهمم
بفهمیم

باب فهمیدن

فهمید
فهمیده است
خواهد فهمید
فهمیده بود
می فهمد

فهمیدم
فهمیدیم
فهمیدند
فهمیدید

فهمیدن
می فهمید
می فهمیدند
می فهمیدی
می فهمیدندی
می فهمیدید
می فهمیدم

بگویان
بگویاند
بگویانید
بگویانند
بگویانم
بگویانیم

باب گویانیدن

گویانید
گویانیده است
خواهد گویانید
گویانیده بود
میگویاند

گویانیدم
گویانیدی
گویانیدند
گویانیدید
گویانیدن

میگویانید
میگویانیدند
میگویانیدی
میگویانیدندی
میگویانیدید
میگویانیدم

بپرس
بپرسد
بپرسند
بپرسید
بپرسم
بپرسیم

باب پرسیدن

پرسید

پرسیده است

خواهد پرسید

پرسیده بود

می پرسد

پرسیدم

پرسیدی

پرسیدند

پرسیدید

پرسیدن

می پرسید

می پرسیدند

می پرسیدی

می پرسیدید

می پرسیدید

می پرسیدم

بمان
بماند
بمانید
بمانند
بمانم
بمانیم

باب ماندن

ماند
ماندہ است
خواہد ماند
ماندہ بود
میماند

ماندم
ماندیے
ماندند
ماندید

ماندن
میماند
میمانند
میماندیے
میماندی
میماندید
میماندم

رهایش ده
رها سازید
رها دهند
رهایش دهم

باب رهانیدن

رهانید

رهانیده است

خواهد رهانید

رهانیده بود

می رهاند

رهانیدم

رهانیدی

رهانیدند

رهانید

رهانیدن

میرهانید

می رهانیدند

می رهانیدی

می رهانیدند ایم

می رهانید

می رهانیدم

برهان
برهاند
برهانید
برهانند
برهانم
برهانیم

باب رهیدن

رهید
رهیده است
خواهد رهید
رهیده بود
می رهد

رهیدم
رهیدی
رهیدند
رهیدید

رهیدن

می رهید
میرهیدند
می رهیدی
می رهیدندی
می رهیدید
می رهیدم

ببوس
ببوسد
ببوسید
ببوسند
ببوسم
ببوسیم

باب بوسیدن

بوسید

بوسیده است

خواهد بوسید

بوسیده بود

می بوسد

بوسیدم

بوسیدی

بوسیدند

بوسیدید

بوسیدن

می بوسید

میبوسیدند

می بوسیدمی

می بوسیدندی

می بوسیدید

می بوسیدم

بترساند
بترسانید
بترسانند
بترسانم
بترسانیم

باب ترسانیدن

ترسانید
ترسانیده است
خواهد ترسانید
ترسانیده بود
می ترساند

ترسانیدم
ترسانیدی
ترسانیدند
ترسانید
ترسانیدن

می ترسانید
میترسانیدی
می ترسانیدند
می ترسانید
می ترسانیدم

بترسان

بترسد
بترسید
بترسند
بترسم
بترسیم
بترس

باب ترسیدن

ترسید

ترسیده است

خواهد ترسید

ترسیده بود

می ترسد

ترسیدم

ترسیدی

ترسیدند

ترسیدید

ترسیدن

می ترسید

می ترسیدند

می ترسیدی

می ترسیدندی

می ترسیدم

می ترسیدید

بفروش
بفروشید
بفروشند
بفروشیم
بفروشد
بفروشم

باب فروختن

فروخت
فروخته است
خواهد فروخت
فروخته بود
میفروشد

فروختم
فروختی
فروختند
فروختید

فروختن

میفروخت
میفروختند
میفروختی
میفروختند
می فروختید
می فروختم

بجخر
بجخرد
بجخرند
بجخرید
بجخرم
بجخریم

باب خریدن

خرید
خریده است
خواهد خرید
خریده بود
می خرد

خریدم
خریدی
خریدند
خریدید

خریدن
می خرید
میخریدند
میخریدی
می خریدند
میخریدید
می خریدم

بپرست
بپرستید
بپرستند
بپرستم
بپرستد
بپرستیم

باب پرستیدن

پرستید
پرستیدست
خواهد پرستید
پرستیده بود
می پرستد

پرستیدم
پرستیدی
پرستیدند
پرستیدید

پرستیدن

می پرستید
میپرستیدند
می پرستیدی
می پرستیدندی
می پرستیدید
می پرستیدم

می پروردم
بپرور
بپرورید
بپرورند
بپرورم
بپرورد

باب پروریدن

پرورید
پروریده است
خواهد پرورید
پروریده بود
می پرورد

پروریدم
پروریدی
پروریدند
پروریدید

پروریدن
می پرورید
می پروریدند
میپروریدی
میپروردی
میپروریدیدی
می پروردید

بنه
بنهید
بنهند
بنهم
بنهد
بنهیم

باب نهادن

نهاد

نهاده است

خواهد نهاد

نهاده بود

می نهد

نهادم

نهادی

نهادند

نهادید

نهادن

می نهاد

می نهادند

می نهادی

می نهادند

می نهادید

میخواهم

بگیر
بگیرید
بگیرند
بگپرم

باب کرفتن

کرفت

کرفته است

خواهد کرفت

کرفته بود

میکیرد

کرفتیم

کرفتی

کرفتند

کرفتید

کرفتن

میکرفت

میکرفتند

میکرفتی

میکرفتندی

میکرفتید

میکرفتم

بشناس
بشناسند
بشناسید
بشناسم
بشناسیم

باب شناختن

شناخت

شناخته است

خواهد شناخت

شناخته بود

می شناسد

شناختیم

شناختی

شناختند

شناختید

شناختن

می شناخت

می شناختید

می شناختی

می شناختندی

می شناختید

می شناختیم

بطلب
بطلبید
بطلبند
بطلبم
بطلبد
بطلبیم

باب طلبیدن

طلبید

طلبیده است

خواهد طلبید

طلبیده بود

میطلبید

طلبیدم

طلبیدی

طلبیدند

طلبیدید

طلبیدن

می طلبید

میطلبیدند

می طلبیدی

می طلبیدندی

میطلبیدید

می طلبیدم

بپاب
بپابید
بپابند
بپابم
بپابد
بپابیم

باب یافتن

یافت
یافته است
خواهد یافت
یافته بود
می یابد

یافتم
یافتی
یافتند
یافتید

یافتن
می یافت
می یافتند
میسیافتی
می یافتی
می یافتید
می یافتم

بایست
بایستید
بایستند
بایستم

باب استادن

استاد
استاده است
خواهد استاد
استاده بود
می استد
استادم
استادی
استادند
استادید
استادن
می استاد
می استادند
می استادی
می استادندی
می استادید
می استادم

بکن
بکنند
بکنید
بکنم
نکرد
نکردم
نکرده ام
نکردی
نکردند
نکردید
نکرده
نکن
نکنید
نکردن

کردند

کرده اند

خواهند کرد

کرده بودند

میکنند

کرد

کرده است

خواهد کرد

کرده بود

میکند

کردن

میکرد

میکردند

میکردی

میکردندی

میکردید

میکردم

باب کردن

کرد

کرده است

خواهد کرد

کرده بود

میکند

کردم

کرده ام

خواهم کرد

کرده بودم

میکنم

میکنیم

کردی

کرده ء

خواهی کرد

کرده بودی

میکنی

بنما
بنمائید
بنمایند
بنمایم
بنمائیم
بنماید
بنمود
بنمودم
بنمودی
بنمودند
بنمودید
بنمودن

نمودہ اند
خواہند نمود
نمودہ بودند
مینمایند

نمود ید
نمودہ اید
خواہید نمود
نمودہ بودید
مینمائید

نمودن
می نمود
مینمودند
مینمودی
مینمودندی
مینمود ید
می نمودم
می نمودیم

باب نمودن

نمود
نموده است
خواهد نمود
نموده بود
مینماید

نمودم
نموده ام
خواهم نمود
نموده بودم
نمی نمایم

نمودی
نموده ای
خواهی نمود
نموده بودی
مینمائی

نمودند

ببینید
ببینند
ببینَم

دیده اند

خواهند دید

دیده بودند

می بینند

دید

دیده اید

خواهید دید

دیده بودید

می بینید

دیدن

میدید

میدیدند

میدیدی

میدیدندی

میدیدیم

میدیدم

ببین

باب دیدن

دید

دیده است

خواهد دید

دیده بود

می بیند

دیدم

دیده ام

خواهم دید

دیده بودم

می بینم

دیدی

دیده ای

خواهی دید

دیده بودی

می بینی

دیدند

بشنو
بشنوید
بشنوم

شنیده اند

خواهند شنید

شنیده بوده اند

می شنوند

شنید

شنیده اید

خواهید شنید

شنیده بوده اید

می شنوید

شنیدن

می شنید

می شنیدند

می شنیدی

می شنیدیم

می شنیدید

می شنیدم

می شنیدیم

باب شنیدن

شنید

شنیدستی

خواهد شنید

شنیده بود

می شنود

شنیدم

شنیده ام

خواهم شنید

شنیده بودم

می شنوم

شنیدی

شنیده ای

خواهی شنید

شنیده بودی

می شنوی

شنیدند

بگوئید
بگویند
بگویم

گفته اند

خواهند گفت

گفته بودند

میگویند

گفتید

گفته اید

خواهید گفت

گفته بودید

میگویید

گفتن

میگفت

میگفتند

میگفتی

میگفتندی

میگفتید

میگفتم

بگو

باب گفتن

گفت

گفته است

خواهد گفت

گفته بود

میگوید

گفتم

گفته ام

خواهم گفت

گفته بودم

میگویم

گفتی

گفته ءِ

خواهی گفت

گفته بودی

میگوئیے

گفتند

بخواهید
بخواهند
بخواهم

خواسته اند

خواهند خواست

خواسته بودند

می خواهند

خواستید

خواسته اید

خواهید خواست

خواسته بودید

میخواهید

خواستن

میخواست

میخواستند

میخواستی

میخواستندی

می خواستید

میخواستم

بخواه

باب خواستن

خواست

خواسته است

خواهد خواست

خواسته بود

می خواهد

خواستم

خواسته ام

خواهم خواست

خواسته بودم

میخواهم

خواستی

خواسته ء

خواهی خواست

خواسته بودی

میخواهی

خواستند

بنویسید
بنویسند
بنویسیم

نوشته اند

خواهند نوشت

نوشته بودند

می نویسند

نوشتید

نوشته اید

خواهید نوشت

نوشته بودید

می نویسید

نوشتن

می نوشت

مینوشتند

می نوشتی

می نوشتدی

می نوشتید

می نوشتم

بنویس

باب نوشتن

نوشت
نوشته است
خواهد نوشت
نوشته بود
می نویسد

نوشتیم
نوشته ایم
خواهیم نوشت
نوشته بودیم
می نویسیم

نوشتید
نوشته اید
خواهید نوشت
نوشته بودید
می نویسید

نوشتند

بدهند

بدهیم

خواهند داد

داده بودند

میدهند

داد

داده اید

خواهید داد

داده بودید

میدهید

دادن

میداد

میدادند

میدادی

میدادندی

میدادید

میدادم

بده

بدهید

باب دادن

داد

داده

خواهد داد

داده بود

میدهد

دادم

داده ام

خواهم داد

داده بودم

میدهم

دادی

داده اید

خواهی داد

داده بودی

میدهی

دادند

بیدار شو
بیدار شوید
بیدار شدند
بیدار شوم

بیدار خواهند شد

بیدار شده بودند

بیدار می شوند

بیدار شدید

بیدار شده اید

بیدار خواهید شد

بیدار شده بودید

بیدار می شوید

بیدار شدن

بیدار میشد

بیدار می شدند

بیدار شدید

بیدار شده اید

بیدار میشدندی

بیدار میشدید

بیدار می شدم

بیدار شد

باب بیدار شدن

بیدار شد
بیدار شده است
بیدار خواهد شد
بیدار شده بود
بیدار میشود

بیدار شدم
بیدار شده ام
بیدار خواهم شد
بیدار شده بودم

بیدار میشوم

بیدار شدی
بیدار شده
بیدار خواهی شد
بیدار شده بودی

بیدار میشوی

بیدار شدند
بیدار شده اند

بخوابان
بخوابانید
بخوابانند
بخوابانم

خوابانیده اند

خواهند خوابانید

خوابانیده بودید

میخوابانند

خوابانید

خوابانیده اید

خواهید خوابانید

خوابانیده بودید

میخوابانید

خوابانیدن

میخوابانید

میخوابانیدید

میخوابانیدی

میخوابانیدندی

میخوابانید

میخوابانیدم

میخوابانیدیم

باب خوابانیدن

خوابانید
خوابانیده
خواهد خوابانید
خوابانیده بوده
می خواباند

خوابانم
خوابانیده ام
خواهم خوابانید
خوابانیده بودم
می خوابانم

خوابانیدی
خوابانیده
خواهی خوابانید
خوابانیده بودی
میخوابانی

خوابانید

بخواب
بخوابید
بخوابند
بخوابم

خوابیده اند

خواهند خوابید

خوابیده بودند

می خوابند

خوابیدید

خوابیده اید

خواهید خوابید

خوابیده بودید

می خوابید

خوابیدن

میخوابید

میخوابیدند

میخوابیدی

میخوابیدندی

میخوابیدند

می خوابم

می خوابیم

باب خوابیدن

خوابید

خوابیده است

خواهد خوابید

خوابیده بود

می خوابد

خوابیدم

خوابیده ام

خواهم خوابید

خوابیده بودم

می خوابم

خوابیدی

خوابیده ای

خواهی خوابید

خوابیده بودی

می خوابی

خوابیدند

میخوردیم
بخوران
بخورانید
بخورانند
بخورانم

می خوراني
خوراند
خوانده اند
خواهند خوراند
خورانيده بودند
می خوراند
خورانيد
خورانيده ايد
خواهيد خوراند
خورانيده بوديد
می خوراند
خوراندن
می خوراند
می خوراندند
می خورانديم
میخوراندید
میخوردم

باب خوراندن

خوراند

خورانیده

خواهد خوراند

خورانیده بود

می خوراند

خورانم

خورانیدم

خورانیده ام

خواهم خوراند

خورانیده بودم

می خورانم

خوراندی

خورانیدی

خورانیده

خواهی خوراند

خورانیده بودی

بخورند
بخوریم
بخورم

خواهند خورد
خورده بودند
می خورند
خورد ید
خورده اید
خواهید خورد
خورده بودید
می خورید
خوردن
می خورد
می خورند
می خوردی
میخوردندی
میخوردید
می خوردم
بخور
بخورید

باب خوردن

خورد

خواهد خورد

خورده

خورده بود

می خورد

خوردم

خورده ام

خواهم خورد

خورده بودم

می خورم

خوردی

خورده ٪

خواهی خورد

خورده بودی

می خوری

خورده اند

خوردند

برخیزید
برخیزند
برخیزیم

برخاسته اند

خواهند برخاست

برخاسته بودند

برمیخیزند

برخاستید

برخاسته اید

خواهید برخاست

برخاسته بودید

برمی خیزید

برخاستن

برمیخاستم

برمیخاستند

برمیخاستندی

برمیخاستی

برمیخاستید

برمیخیزم

برخیز

باب برخواستن

برخاست

برخاسته

خواهد برخاست

برخاسته بود

برمیخیزد

برخاستم

برخاسته ایم

خواهم برخاست

برخواسته بودم

برمی خیزم

برخاستی

برخاسته اید

خواهی برخاست

برخاسته بودی

برمی خیزی

برخاستند

بنشین
بنشینید
بنشینند
بنشینیم

نشسته اند

خواهند نشست

نشسته بودند

می نشینند

نشستید

نشسته اید

خواهید نشست

نشسته بودید

می نشینید

نشستن

می نشست

می نشستند

می نشستی

می نشستید

می نشستید

می نشستیم

می نشستیم

باب نشستن

نشست
نشسته
خواهد نشست
نشسته بود
می نشیند

نشستم
نشسته ایم
خواهم نشست
نشسته بودم
می نشینم

نشستی
نشسته ٔ
خواهی نشست
نشسته بودی
می نشیند
نشستند

بروید

نرفت

نرفتم

نرفتیم

نرفتی

نرفتند

نرفتید

بروند

برویم

رفته اند

خواهند رفت

رفته بودند

می روند

رفتید

رفته اید

خواهید رفت

رفته بودید

می روید

رفتن

می رفت

می رفتند

می رفتی

می رفتیدی

می رفتید

می رفتم

برو

باب رفتن

رفت

رفته است

خواهد رفت

رفته بود

می رود

رفتیم

رفته ام

خواهیم رفت

رفته بودم

می روم

رفتی

رفته ء

خواهی رفت

رفته بودی

می روی

رفتند

نه آمدم
نه آمدی
نه آمدند
نه آمدید
نه آمدن

بیا
بیائید
بیایم
بیایند

آمده اند

خواهند آمد

آمده بودند

می آیند

آمدید

آمده اید

خواهید آمد

آمده بودید

می آئید

آمدن

می آمد

می آمدند

می آمدی

می آمدندی

می آمدید

می آمدم

نه آمد

باب آمدن

آمد

آمده است

خواهد آمد

آمده بود

می آید

آمدم

آمده ام

خواهم آمد

آمده بودم

می آیم

آمدی

آمده

خواهی آمد

آمده بودی

می آئی

آمدند

کتاب انها
کتابهای اوشان همه

کتاب تو
کتابهاء شما
کتاب او
کتابش
کتابهاء او
کتاب این
کتابهای ایشان
کتاب ایشان

کتاب مایان
کتابهای ما مردم
کتاب شماها
کتاب شمایان
کتاب ایشایان
کتاب ایشانهمه
کتاب اینها
کتاب اینان
کتاب اوشایان

همان را دادن

ما یان می نویسیم

ما مردم مینویسیم

شما یان می نویسید

اینها می نویسند

ایشان مینویسند

ایشانهم می نویسند

ایشامان مینویسند

اونها می نویسند

اوشایان مینویسند

انان می نویسند

اوشانهم مینویسند

کتاب من

کاغذ ها ء ما

کتاب شما

پیش او شان

من مینویسم

مینویسیم

شما می نویسید

می نویسید

این می نویسد

ایشان مینویسند

او می نویسد

اوشان مینویسند

مرا دادن

شمارا دادن

ترا دادن

این را دادن

ایشانرا دادن

اورا دادن

اوشانرا دادن

آنرا دادن

از ایشایان
از انها
از همانها
از اوشایان
از اونهاست

با من
همراه من
با ما
همراه شما
با تو
با شما
با ایشان
با اوشان
پیش ما
پیش من
پیش شما
پیش ایشان

ازمن
ازان شما
از تو
ازان تو
از شما
ازان شما
ازان تست
از ایشان
از السان
از وشان
از او
ازان او
ازان مایان
ازان شماها
ازان شماها
ازان شمایان
ازاینهاست

این را
ایشان را

مایان
ما مردم
شمایان
شما ها
شما همه
ایشانهمه
ایشایان
اینها
اینان
آنها
اونها
اوشایان
اوشان همه

ازان من
ازان من

ما
من
تو
شما
ایشان
اوشان
این
او
ان

مارا
مرا
شمارا
ترا
اورا
اوشانرا

ء اء بأ تا ثا جا حا خا دء ذء رء زء

سا شا صا طا ظا عا غا فا

قا كا ل ما نا وء ها لاء يا

لا الا بلا تلا ثلا جلا حلا خلا دلا ذلا رلا

زلا سلا شلا صلا ضلا طلا ظلا علا

غلا فلا قلا كلا لا ملا نلا ولا هلاء لا يلا

٥٥٨ اه به ته ثه جه حه خه ده ذه ره زه

سه شه صه ضه طه ظه عه غه فه

قه كه له مه نه وه هه لا ء ه يه

ي اي بي يتے ثي جي حي يخے دي

ذي ري زيے سي شي يصے

ضي طي يظے عي غي في يقے كي

لي مي ينے وي هي لا ء ي ييے

عم غم فم قم کم لم مم نم وم هم

لا ء م یم

ان بن تن ثن جن حن خن دن ذن

رن زن سن شن صن ضن طن ظن

عن غن فن قن کن لن ون هن لا

ء ن ین

او بو لو جو حو خو دو ذو رو زو سو

شو صو ضو طو ظو عو غو فو قو کو لو

مو نو وو هو لا ء و یو

سکٔ صکٔ ضکٔ طکٔ ظکٔ

عکٔ غکٔ فکٔ قکٔ لکٔ مکٔ

نکٔ وکٔ هکٔ لا�ءکٔ یکٔ

ال بل تل ثل جل حل خل دل

ذل رل زل سل شل صل ضل

طل ظل عل غل فل قل کل لل

مل نل ول هل لا�ءل یل

ام بم تم ثم جم حم خم دم ذم

رم زم سم شم صم ضم طم ظم

سف شف صف ضف طف ظف

عف غف ففٔ قف کف لف

مف نف وف هف لاٴ ف یف

ق اق بق تق ثق جق حق خق دق ذق

رق زق سق شق صق ضق طق ظق

عق غق فق قق کق لق مق وق هق

لاٴ ق یق

ک اکٔ بکٔ تکٔ ثکٔ جکٔ حکٔ

خکٔ دکٔ ذکٔ رکٔ زکٔ سکٔ

ع اع بع تع ثع جع حع خع دع ذع

رع زع سع شع صع ضع طع ظع عع

غع فع قع كع لع مع نع وع هع لا

غ اغ بغ تغ ثغ جغ حغ خغ دغ ذغ

رغ زغ سغ شغ صغ ضغ طغ ظغ

عغ غغ فغ قغ كغ لغ مغ نغ وغ

هغ لا

ف اف بف تف ثف جف حف

خف دف ذف رف زف

همض لا

ط اط بط تط ثط جط حط خط د ط ذ ط رط

زط سط شط صط ضط ططظط عط غط

فط قط كط لط مط و ط هط لا

ظ اظ بظ تظ ثظ جظ حظ خظ و ط ذ ظ رظ

زظ سظ شظ صظ ضظ ططظ عط

عط وط وط كط لط مظ و ظ هظ

لا

صش ضش طش ظش عش غش فش قش

کش لش مش نش وش هش لاٴش یش

ص اص بص تص ثص جص حص خص دص ذص

رص زص سص شص صص ضص طص ظص

عص غص فص قص کص لص مص نص وص

هص لاٴ ص یص

ض اض بض تض ثض جض حض خض دض ذض

رض زض سض شض صض ضض طض ظض

عض غض فض قض کض لض مض نض وض

هر لاء ر یر

ز از بز تز ثز جز حز خز ذز دز رز زز سز

شز عز غز فز قز کز لز مز نز وز هز لاء ز یز

س اس بس تس ثس جس حس خس دس ذس

رس زس سس شس صس ضس طس ظس

عس غس فس قس کس لس مس نس وس

هس لاء س یس

ش اش بش تش ثش جش حش خش

دش ذش رش زش سش شش سش

غ ف ق ک ل م ن و ه لا ی

د ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

ک ل م ن و ه لا ء ی

ذ ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز

س ش ص ض ط ظ ع غ ف ق

ک ل م ن و ه لا ء ی

ر ا ب ت ث ج ح خ د ذ ر ز س ش

ص ض ط ظ ع غ ف ق ک ل م ن و

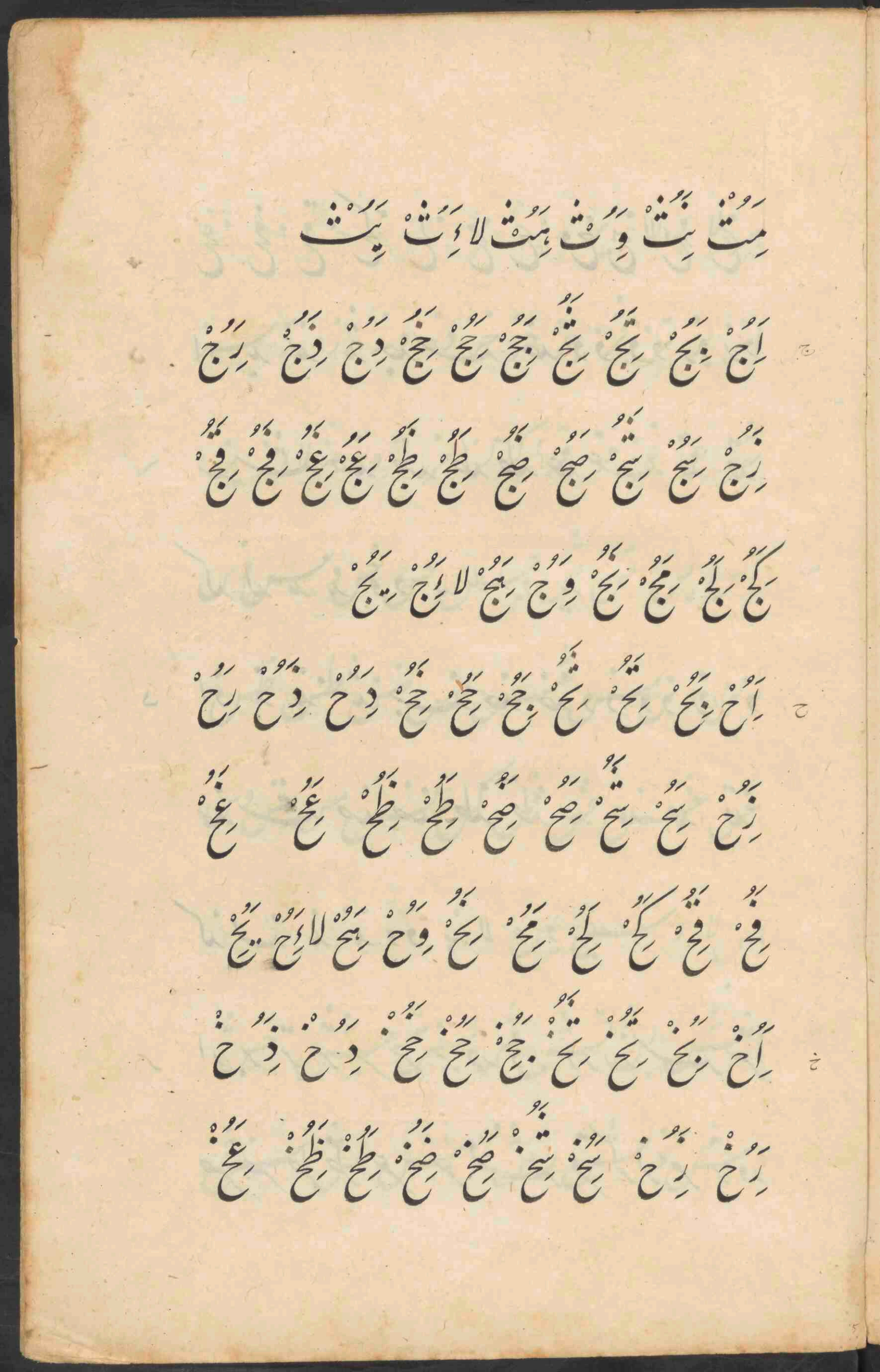

سُتْ سِتْ جُتْ حِتْ خُتْ دُتْ

ذُتْ رُتْ زُتْ سُتْ شُتْ صُتْ ضُتْ

طُتْ ظُتْ عُتْ غُتْ فُتْ قُتْ

كُتْ لُتْ مُتْ نُتْ وُتْ هُتْ

لَا ءُتْ يُتْ

اَتْ بَتْ تَتْ ثَتْ جَتْ حَتْ

خَتْ دَتْ ذَتْ رَتْ زَتْ

سَتْ شَتْ صَتْ ضَتْ طَتْ ظَتْ

عَتْ غَتْ فَتْ قَتْ كَتْ لَتْ

ضَا طَا ظَا عَا غَا فَا قَا كَا لَا مَا نَا وَا هَا

لَا ءُ يَا

اَبْ بَبْ تَبْ ثَبْ جَبْ حَبْ

خَبْ دَبْ ذَبْ رَبْ زَبْ سَبْ

شَبْ صَبْ ضَبْ طَبْ ظَبْ عَبْ

غَبْ فَبْ قَبْ كَبْ لَبْ مَبْ

وَبْ هَبْ هَبْ لَا ءُبْ يَبْ

اَتْ بَتْ تَتْ ثَتْ جَتْ حَتْ

خَتْ دَتْ ذَتْ رَتْ زَتْ

اُبُ تُ ثُ جُ حُ خُ دُ ذُ رُ زُ

سُ شُ صُ ضُ طُ ظُ عُ غُ فُ قُ

كُ لُ مُ نُ وُ هُ لاءُ يُ

اٍبٍ تٍ ثٍ جٍ حٍ خٍ دٍ ذٍ رٍ

زٍ سٍ شٍ صٍ ضٍ طٍ ظٍ عٍ غٍ فٍ

قٍ كٍ لٍ مٍ نٍ وٍ هٍ لاءٍ يٍ

١ آ با تا ثا جا حا خا دا ذا را زا سا شا صا

Prima Elementa Linguae Persicae,

nitidissime conscripta.

Decriture élégante

Adriani Relandi.
1705.

1, pe

Nº 1

4153

40 –